

به هرحال ستاد انقلاب فرهنگی که متوجه اهمیت این موضوع شده است، با بهره گیری صحیح از اشتیاق نسل انقلابی به کتاب، ایجاد تحول اساسی در زمینه نشر و تأسیس يك سازمان متشکل برای بررسی کتابهای دینی و علمی و ادبی و فنی و پایه گذاری سنت نقدنویسی را در زمره برنامه های اولیه خود قرار داده است و به همین منظور کمیته ای به نام ترجمه و تألیف و تصحیح کتابهای دانشگاهی دایر نموده است. البته این کمیته بیشتر نقش هماهنگ کننده دارد چه، برنامه های آن توسط همه کسانی باید اجرا شود که به انقلاب فرهنگی مؤمن باشند و مسئله نشر کتاب، بخصوص کتابهای دانشگاهی، را به جد تلقی کنند.

کمیته حاضر کار خود را با بررسی پرسشنامه های اساتید دانشگاهها در مورد ترجمه و تألیف و تصحیح کتابهای دانشگاهی آغاز کرد و پس از پنج ماه تلاش بی گیر این کار بحمدالله با موفقیت انجام گرفت و تقریباً همه کسانی که مایل به همکاری بودند با توجه به نیازهای مملکتی به تهیه کتابهای رشته خود پرداختند. البته این تنها آغاز کار بود. بررسی نمونه ترجمه ها و تألیفات و تعیین صلاحیت آنها و سپس ویرایش و تنقیح و سرانجام چاپ و نشر کتابهای انتخاب شده برنامه هایی است که می باید با جدیت دنبال شود. به همین منظور ستاد انقلاب فرهنگی در نظر دارد کمیته ترجمه و تألیف را به سازمانی متشکل تر و پربارتر مبدل کرده و در واقع يك سازمان نشر دانشگاهی در کشور ایجاد کند تا از این راه

کمبودها و نواقصی که در زمینه تهیه و تولید و چاپ و نشر کتاب، بخصوص کتابهای دانشگاهی، در گذشته موجود بوده است برطرف نماید. بدیهی است اجرای برنامه های صحیح در جهت رشد کمی و کیفی کتابهای دانشگاهی مستلزم همکاریهای همه جانبه عموم نویسندگان و مترجمان است.

هم اکنون که ستاد انقلاب فرهنگی به انجام این امر مهم فرهنگی همت گماشته و همه گونه امکانات موجود را در قسمتهای انتشاراتی دانشگاهها بسیج کرده است شایسته است که دانشگاهیان نیز به سهم خود از این اقدام استقبال کنند و علاوه بر اشتغالات خود در امر تهیه دستنوشتهها، در مورد کم و کیف کتابها نیز با قلم و قدم خود ما را یاری نمایند.

نشر دانش در حقیقت بمنظور ایجاد ارتباط میان نویسندگان و مترجمان و منقدان و خوانندگان با یکدیگر و با مقامات مسئول فرهنگی و دانشگاهی و همچنین با ناشران به وجود آمده است و ما امیدواریم با درج مقالات و نقدها و بررسیها و به طور کلی اظهار نظرها بتوانیم به ضوابطی صحیح برای انتخاب کتابهایی که نیازهای مملکت ما را پس از انقلاب بر می آورد برسیم و نه تنها کمیت کتابها را در دانشگاهها و به طور کلی در سطح مملکت بالا ببریم بلکه در زمینه بالا بردن کیفیت آنها نیز گامهای مؤثری برداریم. بمنه و کرمه.

ن. پ.

گفتگو

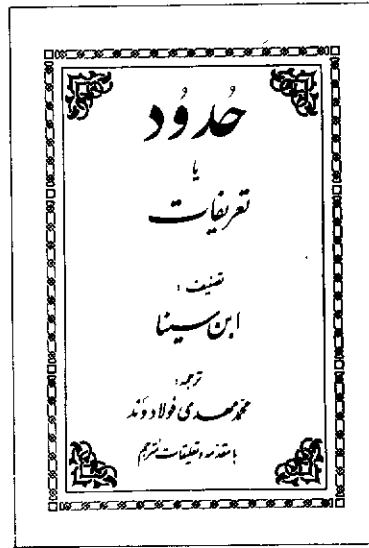
فعالیت‌های مراکز وابسته به بنیاد فرهنگ و هنر ایران

مسائل سیاسی و اجتماعی و جنگی از فعالیت‌های اصیل فرهنگی، بخصوص نشر کتابهای اصیل دینی و فلسفی و فرهنگی و اجتماعی که ظهور آنها معمولاً سالها پس از استقرار انقلابهای دیگر مشاهده می شود، در این انقلاب اسلامی همیای سایر فعالیتها تحقق یافته است. مجله نشر دانش ضمن تشکر از این برادران که دعوت ما را اجابت کرده به سؤالات ما پاسخ دادند، نظر مسئولین امر، بخصوص متصدیان فرهنگی در وزارت فرهنگ و آموزش عالی را، به مسائل و مشکلات موجود این مؤسسات جلب می کند تا انشاء الله با حل و رفع آنها ثمرات فرهنگی این انقلاب روزبروز افزون تر گردد.

برای آشنایی خوانندگان با تاریخچه، هدفها، نحوه فعالیت و مشکلات انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران، بنیاد فرهنگ ایران، مرکز ایرانی تحقیقات تاریخی، و مرکز ایرانی مطالعه فرهنگها، گفتگویی داشتیم با سرپرستان این مؤسسات - به ترتیب آقایان مهدی چهل تنی، مهدی خوشدل، جعفر انتظارخیر و رضا فیض - که ذیلاً درج می گردد. گزارش فعالیت‌های چشمگیر این مؤسسات فرهنگی، بخصوص در زمینه انتشارات، در شرایط سخت دوران پس از انقلاب با همه مشکلات و موانعی که بر سر راهشان بوده است حقا قابل تمجید است و این فعالیتها خود ماهیت اسلامی بودن این انقلاب را نشان می دهد که در گرماگرم

- آقای چهل تنی، لطفاً درباره تاریخچه انجمن فلسفه، هدفها، فعالیتها و تغییراتی که بعد از انقلاب اسلامی در هدفها و برنامه‌های آن به وجود آمده برای خوانندگان توضیح بدهید.

- چهل تنی: انجمن فلسفه در سال ۱۳۵۳ تأسیس شده و فعالیتهای خود را بر مبنای اساسنامه انجمن ادامه می‌داده؛ در آن اساسنامه بغیر از آن ریاست عالی و حرفهای آنجوری، چندان مواد ناجور و ناصوابی نبوده و اگر اشکالی وجود داشته بیشتر در نحوه عمل و اجرا بوده، قبول می‌کنم مثل همه ابزارها فرهنگ و فلسفه نیز در دست آن رژیم ایزاری برای تحکیم قدرت یا تفاخر بوده، اما بهرحال ما باید بین اسم مؤسسات تحقیقی رژیم گذشته و کسانی که بر آن ریاست می‌کرده‌اند و هدفهایی که تعهد اجرایش را داشتند و نفس عمل این مؤسسات تفکیک قائل شویم. انجمن فلسفه اسمش انجمن شاهنشاهی فلسفه بوده، اما از بدو تأسیس تاکنون ۶۶ کتاب از متون فرهنگ و فلسفه اسلامی و تحقیقاتی که جدیداً در این باب صورت گرفته منتشر کرده که ۳۵ جلد آن مربوط به قبل از انقلاب است؛ از این ۳۵ کتاب قبل از انقلاب اگر من هم بجای رؤسای قبلی بودم شاید در چاپ ۳۰ جلدش تردید نمی‌کردم، البته این را هم باید گفت که بازده کار تناسب چندانی با بودجه مصرف شده نداشته و با همان بودجه و با آن اختیارات، بسیار بیش از آنچه در گذشته انجام گرفته امکان فعالیت بود. من ضمناً وظیفه اسلامی خود می‌دانم که در منصفانه بگویم به تناسب بودجه‌ای که در آن رژیم خرج سایر مؤسسات تحقیقی می‌شده و تقریباً بسیاری به هدر می‌رفته بالنسبه انجمن فلسفه مفیدتر بوده. بعد از انقلاب مطابق معمول ما سه چهار ماه



مشغول رسیدگی به حسابها و بررسی کارهای گذشته بودیم تا فهمیدیم در این مرکز چه می‌گذشته و البته بخاطر اسم این انجمن پس از انقلاب نیز تاکنون انجمن یازده بار اشغال نظامی شده از طرف بنیادهای مختلف و افراد متفاوت که خوشبختانه این تهاجم چند ماهی است متوقف گردیده. پس از رسیدگی به حسابها اولین کاری که کردیم با اجازه بنیاد فرهنگ و هنر، که سمت سرپرستی کل داشت، گروهی محققان و دانشمندان بنام و صاحبنظران فلسفه دعوت شدند و آن بزرگواران دعوت را پذیرفتند و تشریف آوردند و اساسنامه‌ای تنظیم فرمودند. اگرچه این اساسنامه بعد از یکسال و نیم هنوز در هیچ جا به تصویب رسمی نرسیده ولی کوشش این است که به آن اساسنامه جامه عمل بپوشانیم. زمینه‌ای که در آن اساسنامه برای وظایف انجمن تعیین شده به اختصار و آن مقداری که من بیاد می‌آورم به این شرح است:

تصحیح و تنقیح و نشر متون مهم فلسفی و عرفانی و کلامی و علمی و ترجمه آثار فکری و فلسفی اسلامی از زبانهای دیگر به زبان پارسی و ترجمه آثار اسلامی به زبانهای دیگر و ترجمه توأم با نقد و

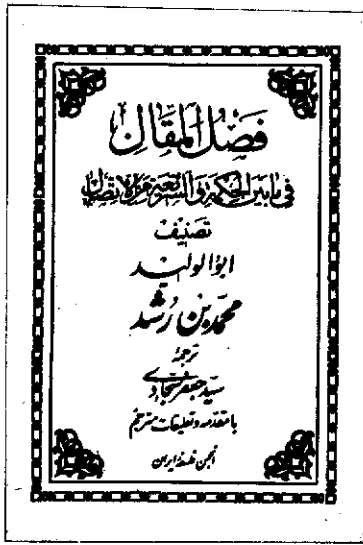
توضیح آثار فکری تمدنهای دیگر به زبان پارسی و همکاری با پژوهشگران و مراکز تحقیقاتی داخلی و خارجی و تدریس اصول فلسفه و کلام اسلامی و تشکیل سمینارها و سخنرانیها از جمله فعالیتهایی است که انجمن فلسفه بدانها می‌پردازد. راجع به انتشارات من بعداً جداگانه توضیح می‌دهم اما در مورد کلاسها، ما اکنون حدود ۱۳ کلاس آزاد داریم. کاملاً آزاد، یعنی راه باز است و هر کس بخواهد می‌تواند شرکت کند و اگر مفید بود ادامه می‌دهد. از این کلاسها ۱۰ کلاس در داخل انجمن و ۳ کلاس در خارج از انجمن برای دفتر امام و وزارت آموزش و پرورش و در گذشته برای بنیاد شهید و یا گزینش معلمان تشکیل گردیده است. در کلاسهای خود انجمن اساتید عالیمقامی به تدریس مشغول‌اند و درسها روی نوار ضبط می‌شود و بعضی از آنها از نوار پیاده و تصحیح و منتشر خواهد شد و بعضی دیگر همانطور بصورت نوار تکثیر می‌شود و یکی از کلاسها به وسیله تلویزیون و رادیو فیلم برداری و صدا برداری شده و برای عموم پخش می‌شود.

- آقای چهل تنی، فعالیتهای عمده انجمن اسلامی حکمت و فلسفه انتشارات است. آیا اینطور نیست؟

- چهل تنی: فعلاً بله. انتشارات است آموزش هم هست و نمی‌دانم کدامیک از این دو جهت غالب هستند. سعی می‌شود این دو رشته فعالیت به قدر امکانات تقویت شود.

- آقای خوشدل، شما درباره فعالیتها و هدفهای بنیاد فرهنگ ایران کمی توضیح دهید.

- خوشدل: بنیاد فرهنگ ایران در سال ۱۳۴۴ تأسیس شده. یعنی حدود ۱۶ سال است که فعالیت می‌کند. اعضای این بنیاد



برای فهم عامه آماده کنیم و برای اشاعه فرهنگ اسلامی در جامعه امروز از آن استفاده می‌کنیم در بخش عربی بنیاد اثری به زبان عربی در حال تألیف است به نام المسلمون ایرانیون والادب العربی که تأثیر ایرانیان مسلمان در فرهنگ و ادب زبان عربی را و دانشمندانی که به نحوی در تکوین و باروری فرهنگ اسلامی تأثیر داشته‌اند نشان می‌دهد. اصل تألیف به زبان عربی است و ما سعی می‌کنیم به زبان فارسی نیز ترجمه کنیم. از آنجا که این کار بسیار دقیق و گسترده است حتی می‌توان بعداً در مورد نقش هر یک از دانشمندان به صورت بخشی از آن کتاب یا جزوه منتشر کرد.

- آقای انتظارخیر، مرکز تحقیقات ایرانی را به خوانندگان معرفی کنید و لطفاً درباره گذشته و کارهایش توضیح دهید.

- انتظارخیر: مرکز ایرانی تحقیقات تاریخی مؤسسه‌ای بوده که برای تحقیق در امور تاریخی ایران و جغرافیای تاریخی ایران، یعنی امکنه و تاریخ ایران تأسیس شده بود. من راجع به هدفهایش فعلاً صحبتی نمی‌کنم و چون جدیداً به این مرکز آمده‌ام نمی‌توانم دقیقاً قضاوت کنم که آیا در تعقیب هدفهای تعیین شده قدم بر می‌داشته یا نه. بهر حال مؤسسه‌ای بوده که بیشتر جنبه خصوصی داشته و روی سلیقه افرادی که برای سرپرستی این مرکز تعیین شده بودند اداره می‌شده؛ اما آنچه می‌توانم بگویم این است که در آینده می‌تواند در زمینه تحقیقات تاریخی مفید و مؤثر باشد و پاره‌ای از خلاءها را پر کند. بعد از انقلاب اسلامی بدلیل اینکه آن روابط گذشته در هم ریخته شد طبعاً وقفه‌ای در فعالیت‌های مرکز بوجود آمد بطوری که حتی مدتی تقریباً طولانی تعطیل شد و کارمندانش را بمراکز دیگر منتقل کردند ولی با برنامه‌ای

۲۸ نفر هستند که ده نفر آنها را پژوهشگران تشکیل می‌دهند و بقیه از کارمندان اداری و خدماتی بقیه نیز بطریقی با کار پژوهش ارتباط دارند. کار تحقیقاتی بنیاد در زمینه‌های مختلف و عمدتاً در زمینه فرهنگ تاریخی زبان فارسی و دستور تاریخی زبان فارسی و بررسی جامعی است در مورد کلیه دانشمندانی که از صدر اسلام تاکنون به نحوی در اعتلای فرهنگ و ادب اسلامی تأثیر داشته‌اند. قسمت دیگری از فعالیت‌های بنیاد انتشار متون عرفان اسلامی است که توسط صاحب نظران خارج از کادر پژوهشی بنیاد تصحیح و تنقیح می‌شود و عرضه می‌گردد تعداد انتشارات بنیاد از بدو تأسیس تاکنون ۳۱۰ عنوان است که رقم قابل توجهی است و اکثر این کتابها شماره صفحاتشان بیش از ۴۰۰ صفحه است که می‌تواند نشان دهنده نتیجه کار بنیاد در گذشته باشد. وظیفه بنیاد به طور خلاصه باز شناختن و شناساندن علمی و تحقیقی و فنی فرهنگ و معارف ایران بر اساس پیشرفته‌ترین معیارهای علمی و پژوهشی است.

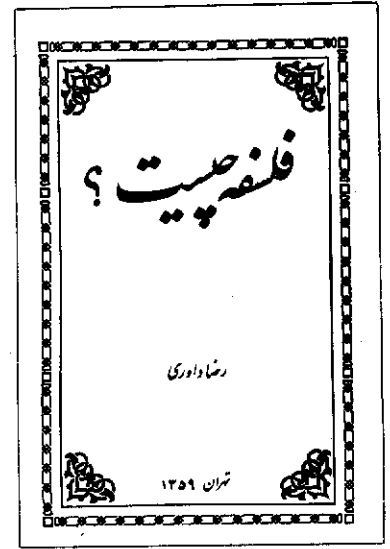
- آقای خوشدل، آیا بعد از انقلاب تغییر عمده‌ای در فعالیت‌های بنیاد بوجود آمده است؟ بدین صورت که شما انجام طرح‌هایی را متوقف کنید یا طرح‌های نوئی در اندازید؟

- خوشدل: احتیاجی به تغییر برنامه‌هایی که روند درستی داشته نبود و آنچه از فرهنگ بنفع رژیم گذشته صورت می‌گرفته در همه جا و از جمله در بنیاد قطع گردیده و آنچه غیر ضروری تشخیص داده می‌شد متوقف شده و آنچه در جهت هدفهای انقلاب اسلامی است، یعنی نشر فرهنگ و کمک به تحقیق و انتشار معارف اسلامی است، دنبال می‌شود. البته ما برنامه‌ریزی کرده ایم که بتوانیم متون دشوار را به زبان ساده تری

که بنیاد فرهنگ و هنر ایران از یکسال و نیم قبل داشته و هم اکنون نیز تکمیل شده و دنبال می‌شود. در نظر است که این مؤسسه احیا شود. مسئولیت این مرکز به بنده محول شد تا خط مشی آن تعیین شود و آغاز به فعالیت کند جزء هدفهای آینده‌مان اگر ما بتوانیم تحقیقی بسزا در مورد تاریخ دوره پهلوی و همچنین تاریخی از انقلاب اسلامی داشته باشیم گمان می‌کنم بسیار موثر و مفید خواهد بود. البته باید سازمانی را که من مسئولیتش را بعهده دارم طوری برنامه‌ریزی کرد که بتوان این جهت را داد.

- آقای دکتر فیض، مرکز ایرانی مطالعه فرهنگها چند سال است که به کار مشغول است و چه هدفها و فعالیت‌هایی دارد و تغییراتی که پس از انقلاب در آن به وجود آمده چیست؟

- دکتر فیض: هدف مرکز ایرانی مطالعه فرهنگها تقریباً از اسمش پیداست. این مرکز برای مطالعه فرهنگها است. طبق اساسنامه، کار ما مطالعه درباره فرهنگهای جهان است. البته فرهنگ در اینجا به معنای عام کلمه منظور است. با این مفهوم مثلاً ممکن است ما در فلسفه یا در هنر هم مطالعات و تحقیقات و در نتیجه انتشاراتی داشته باشیم ولی هرگز این مرکز يك



مؤسسه هنری یا تحقیقات فلسفی نیست - به آن معنی که به مسائل هنری و فلسفی به معنای اخص کلمه آن توجه کند. هر امری اگر با فرهنگ جامعه‌ای ارتباط داشته باشد می‌تواند در این مرکز مورد مطالعه و تحقیق قرار بگیرد که طبعاً ملاحظه می‌فرمائید هدف عام و شاملی است. در يك معنا همه مسائلی که می‌تواند به نحوی در تربیت و تعلیم و نحوه زندگی يك جامعه تأثیر بگذارد می‌تواند مورد مطالعه و تحقیق قرار گیرد. این مؤسسه يك مؤسسه انتشاراتی است به اعتبار اینکه دارای انتشاراتی است و يك مؤسسه پژوهشی هم هست به لحاظ اینکه قراردادهای تحقیقاتی و پژوهشی با محققین و مترجمین بسته و می‌بندد. فعالیتها تماماً در این جهت است که ما توانستیم آنها را به دو دسته مهم تقسیم کنیم ضمناً یکی از کارهای ما ایجاد و برآه اندازی کتابخانه است. این کتابخانه البته پیش از انقلاب اسلامی تأسیس شده بود و ما کوشش کردیم تا پس از انقلاب مجموعه کتب فرهنگ اسلامی را توسعه دهیم که البته با مشکلاتی روبرو شدیم و ازین جهت چندان راضی نیستیم.

- چه مشکلاتی آقای دکتر؟

- دکتر فیض: شاید بعد بطور مفصل این

مشکلات را دوستان دیگر هم عنوان بفرمایند با وجودی که اخیراً سعی در بر طرف کردن آنها، هم از طرف بنیاد فرهنگ و هنر و هم بوسیله وزارت فرهنگ و آموزش عالی شده. اما مشکلات ما هنوز کم نیست که آنها را در يك جمله می‌توان مشکلات اداری - مالی نامید و همچنان با وجود کوششی که عرض کردم وجود دارد. در گذشته این مرکز مؤسسه مستقلی بوده و دستشان کاملاً باز بوده اما بعد از انقلاب اغلب مشکلات ما بخاطر وابستگی و رعایت قوانین بیج در بیج سازمان برنامه و بودجه و قانون استخدام کشوری بوجود آمده است به هر حال در این مرکز کتابخانه‌ای با حدود ۳۰ هزار جلد کتاب فراهم آمده که يك کتابخانه پژوهشی است و اصولاً برای محققان و پژوهشگران تأسیس گردیده و بسیار هم برای آنها می‌تواند قابل استفاده باشد و امیدوارم انشاءالله بمناسبت ۲۲ بهمن کتابخانه را افتتاح کنیم. تا کنون هم مشغول فهرست نویسی بوده ایم اگرچه در همین مدت هم بسیاری از پژوهشگران مراجعه و از آن استفاده می‌کردند اما بخاطر تکمیل کردن فهرست نویسی ما قادر به افتتاح عمومی آن نبوده ایم. و قسمت دیگر فعالیت ما انتشارات است. این مرکز با دانشمندان چه در ایران و چه در خارج (البته بعد از انقلاب روابط با خارج خیلی محدود و تقریباً قطع شده)، قراردادهایی می‌بست و این افراد در همان زمینه به تحقیق، پژوهش یا ترجمه می‌پرداختند. تعداد کتبی که بعد از انقلاب یعنی در ظرف این دو سال چاپ شده ۱۰ عنوان است و ۱۰ عنوان هم در مراحل مختلف چاپ داریم که فکر می‌کنم حدود یکی دو ماه دیگر از چاپ خارج شود و در حدود ۱۴ عنوان جدید یا مؤلفان و مترجمان و پژوهشگران

قرارداد بسته‌ایم این نوع دوم فعالیت ما است. یعنی اول در کتابخانه به این معنی که محیطی برای تحقیق فراهم باشد و دسترسی بمواد مکتوب آسان باشد برای همه علاقه‌مندان. و فعالیت دوم عبارت است از انتشارات. يك فعالیت جانبی هم داریم که می‌توان آن را وجه سوم فعالیت این مرکز نامید ولی به دلایل بسیار چندان تکیه‌ای فعلاً روی آن نداریم. اما در گذشته این فعالیت بوده و آن تشکیل سمینارهاست. سمینارهایی برای بحث آزاد که تقریباً عمومی بوده است. البته عمومی نه به معنای آنکه برای عموم مردم قابل استفاده باشد یا مثلاً از رسانه‌های گروهی بخش شود. یعنی همچنان در خط پژوهش است و تحقیق و حداکثر ممکن است از محافل پژوهشگران خارج شود و وارد حوزه‌های بحث دانشجویان و افرادی در این سطح بشود. از این نوع سمینارها، بعد از انقلاب ما سمیناری داشتیم در فلسفه ریاضی که متخصصین فن در ریاضیات و فلسفه ریاضی گرد هم آمدند و محصول این سمینار و مقالات آن بزودی در کتابی منتشر خواهد شد. در همین زمینه پیش از انقلاب در سال ۱۳۵۶ سمیناری برگزار شده که بسیار هم پر سروصدا بوده و از بسیاری دانشمندان خارج نیز دعوت کرده بودند. این سمینار تحت عنوان گفت و گو میان تمدنها بود. محصول این سمینار هم بصورت کتابی در فرانسه چاپ و منتشر شده است که نسخه‌ای از آن را نیز برای مرکز فرستاده‌اند. اما تغییراتی را که می‌توانم بگویم بعد از انقلاب بوقوع پیوسته تنها در جهت اهداف انقلاب اسلامی ایران بوده است. یعنی طبیعتاً بعد از يك انقلاب اسلامی ما باید پژوهش‌هایمان و تحقیقاتمان بیشتر مربوط شود به فرهنگ اسلامی که بخاطر گستردگی و عمق و

غناى این فرهنگ بسیار هم جای تحقیق و پژوهش دارد. از این بابت قراردادهای جدید ما غالباً در مورد آثاری است که به تبیین و تشریح فرهنگ اسلامی پرداخته‌اند. این هدفی است که ما بعد از انقلاب تعقیب می‌کنیم در درجه اول، و البته در درجه دوم خودمان را بی‌نیاز نمی‌بینیم از تحقیق در فرهنگهای دیگر، در کاوش اندیشه‌های اندیشمندان دیگر و این کار را تعقیب خواهیم کرد. ولی اولویت را اکنون مطالعه در فرهنگ اسلامی قرار داده‌ایم. ما پنج گروه تحقیقی داریم. یکی گروه مطالعات فرهنگ اسلامی است. که عرض کردم بعد از انقلاب تأکید بر روی این مطالعات است. دیگری اندیشه معاصر است که ما این را فراموش نکرده‌ایم، چون معتقدیم لازم است ما اندیشه معاصر را بشناسیم. باید اعتراف کنیم که اندیشه غرب در ایران آنطوری که باید شناخته شده نیست. سطحی و قشری از اندیشه غرب عموماً شناخته شده و مطرح است و شاید به همین دلیل افراد به غرزدگی می‌لغزند، چرا که شناخت کاملی از تفکر در آنجا ندارند. من این تعبیر را بارها کرده‌ام که در اینجا يك نوع ژورنالیسم فکری از غرب ترجمه می‌شده است. متأسفانه فرهنگ غرب یا فرهنگهای دیگر دقیقاً برای ما شناخته شده نیست و البته اگر مسئله تفکر اصیل پیش بیاید، مسئله اندیشه پیش بیاید، اندیشه مرز نمی‌شناسد، محدودیت نمی‌شناسد و نباید اندیشه را با اعتقاد مخلوط کرد. ما در هر حال مسلمانیم و باید اسلام خودمان را حفظ کنیم، فرهنگ اسلامی خودمان را ارج بگذاریم و حفظ بکنیم. ولی از اندیشه دیگران، از پیشرفتهایی که دیگران در تفکر برایشان حاصل شده است به هیچوجه بی‌نیاز نیستیم ولی اگر به قشر این اندیشه‌ها و

ظواهر این اندیشه‌ها مشغول باشیم همیشه احتمال خطا بیشتر خواهد بود، احتمال گمراهی بیشتر خواهد بود. گروه دیگر گروه مطالعه در ادیان و فرهنگهای دیگر است. گروه دیگر تحقیقات ایرانی است که بیشتر در ادیان قبل از اسلام تحقیق می‌کند که البته هیچ مخالفتی نیست که این تحقیقات انجام بشود ولی فعلاً اولویت را به این برنامه نمی‌دهیم. گروه دیگر هم تحقیق و مطالعات هندی است که این را هم باز با وجود اینکه با آن هیچ مخالفتی نداریم ولی فعلاً ضرورتی نمی‌بینیم که اصراری روی آن داشته باشیم. بطور کلی در يك کلمه تغییرات بعد از انقلاب در اینجا عبارت است از: تکیه بر روی مطالعات فرهنگ اسلامی و حذف پاره‌ای از قراردادهای تحقیقی غیر ضروری و بعضاً مضر. با توجه و دقت در محتوای بعضی از کتابهایی که بر طبق قرارداد بنا بود منتشر شود، ضرورتی ندیدیم که ما نیز بانی انتشار آنها شویم. برای نمونه خدمتتان عرض کنم ما کتابی داشتیم که بر مبنای قراردادی تألیف شده بود. این کتاب درباره «تاریخ سیاسی تشیع» بود. البته نام خیلی جالب است ولی با دقت در محتوی این تحقیق ملاحظه شد که کتاب با دید کاملاً سوسیولوژیک و جامعه‌شناسانه نوشته شده که اگر این اصطلاح آشنا باشد برای خوانندگان، یعنی که تشیع را، تاریخ تشیع را، شخصیت‌های شیعه، ائمه اطهار (ع) یا پیغمبر اکرم (ص) را محصول و پدیده جامعه معرفی کرده است. این فکر در تدوین این کتاب بود. اگر پیغمبر پیغمبر شده، اگر علی علی شده، اگر ائمه ما ائمه بودند اینها به خاطر شرایط جامعه است. این طرز فکری است که در غرب بین جامعه‌شناسان مرسوم است ولی برای ما به عنوان يك مسلمان هرگز قابل قبول نیست. ما هیچوقت پیغمبر را پیغمبر نکردیم، پیغمبر

پیام‌آور و رسولی است از جانب خدا نه حاصل شده از شرایط جامعه. همینطور مقام امام يك مقام غیبی است، يك مقام الهی است از نظر ما بعضی از کتب به این شکل از نظر هر مسلمانی مردود است آنها با آن اسم. یا بعضی از کتب اساساً ترجمه‌ای نادرست و گاهی اوقات ناصحیح از بعضی از آثار منتشر شده مستشرقین در مورد ایران و یا اسلام بود که بکلی مخدوش بود. اینها با دیدگاههای صهیونیستی یا با دید استعماری تحقیق می‌کردند در مورد اسلام که ما البته ملزم نیستیم چنین آثار مغرضانه‌ای را منتشر کنیم. به این دلیل این کتب را حذف کردیم. ولی بعضی از کتبی که در مراحل مختلف چاپ بود و نه تنها بی‌ضرر بلکه نافع هم بود، دنبال شد تا از چاپ خارج شدند.

- آقای چهل تنی، لطفاً درباره فعالیت‌های انتشاراتی انجمن فلسفه توضیح دهید.

- چهل تنی: ما بعد از انقلاب دنبال کردن کار بعضی از کتابهایی را که به نظر می‌رسید فعلاً اولویتی نمی‌تواند داشته باشد و هم به نظر می‌رسید که مفید نمی‌تواند باشد متوقف کردیم. شاید حدود ۸ تا ۱۰ جلد کتاب بود که مخارجی هم حدود يك میلیون تومان داشت. با مترجمین به توافق رسیدیم و کارشان پایان یافت. کتابهایی که بعد از انقلاب منتشر شده است حدود ۲۸ جلد است که سه جلد آنها به زبانهای خارجی است و ۲۵ جلد دیگر به زبانهای فارسی و عربی. اینها همه از متون فرهنگ و فلسفه اسلامی است. ضمن اینکه ما این انتشارات را داشته‌ایم، مقدار زیادی هم نوار تکثیر می‌کنیم. در حقیقت می‌توان گفت که انتشارات ما هم مکتوب است و هم سمعی. نوارها از همین درسهایی است که در انجمن فلسفه هست و مورد استفاده حوزه‌های علمیه قم، مشهد،

به محققین کلمه‌ای ۳/۵ ریال بدهند و از ده هزار کلمه بیشتر ۲/۵ ریال. این حق التألیف است. شما ببینید اصلاً چطور می‌شود نشست و دانه‌دانه کلمات را شمرد؟ ما باید این قانون طاغوتی سال ۱۳۴۵ را اکنون اجرا کنیم؟ اصلاً هیچ توجهی به محتوی نشده است و تا این قوانین هست به هیچ وجه نمی‌شود وظیفه انجام يك کار تحقیقی سطح بالای علمی را بردوش انجمن فلسفه گذاشت. البته این بدان معنا نیست که همه کارهایی که ما کرده ایم سطح پایین بوده. يك چنین نتیجه‌گیری نفرمایید. من البته پیشنهادهایی هم دارم. گفتم بودجه ما شده است يك چهارم با وجود تورم.

- منظورتان بودجه سال ۱۳۵۹ است؟
- بله، در سال ۵۹ بودجه ما شده يك چهارم سال ۵۷ و بادر نظر گرفتن تورم می‌شود يك ششم. بفرمایید چه مشکلی بزرگتر از بی‌پولی است. گذشته از این تناقض بزرگی در کار ما هست و من فکر نمی‌کنم این تناقض در هیچ کجای دنیا سابقه داشته باشد. ملاحظه بفرمایید: دولت بودجه‌ای معادل ۴۰۰ هزار تومان برای انتشارات ما در نظر گرفته است. بعد فروشی که ما امسال از انتشارات داشتیم طبعاً بسیار بیشتر از این مقدار خواهد بود، نتیجه این می‌شود که انجمن هرچه بیشتر برای فروش انتشاراتش فعالیت کند و مبلغ آن را بالا ببرد سریعتر ورشکست می‌شود و آن ذخیره‌ای هم که از کتابها داریم تمام می‌شود و هیچ کاری نمی‌توانیم بکنیم؛ هرچه می‌فروشیم باید به حساب خزانه بریزیم و آنچه دریافت می‌کنیم نیز ثابت خواهد بود و کمتر از فروش و پرداختمان. در گذشته (زمان طاغوت) علاوه بر اینکه بودجه رقمی بسیار بیش از آنچه که اکنون هست بوده، درآمد فروش کتابها نیز متعلق به خود انجمن بوده است. یعنی انجمن

تهران و دانشجویان دانشگاهها قرار می‌گیرد. این توجه را نیز بدهم که بعد از انقلاب انتشارات انجمن فلسفه با توجه به مدت و مشکلات بسیار زیاد نه تنها تعدادش که ۲۸ جلد است با گذشته قابل مقایسه نیست، بلکه فروشش هم به هیچ وجه قابل مقایسه با دو سال قبل نیست. در زمینه ارزش این انتشارات، با توجه به اینکه معمولاً کتاب خوب و سنگین در ایران کمتر خریدار دارد همین بس که فروش ما در سال جاری تقریباً به اندازه سه سال از فعالیتهای انجمن در سالهای قبل از انقلاب بوده و باز برخلاف معمول گذشته ما تصمیم داریم نه کتاب به کسی هدیه دهیم و نه با قرار و مدار با مؤسسات دولتی آنها را وادار به خرید کتابهای خود کنیم.

- آقای چهل تنی، با توجه به بریدگی فرهنگی که وجود دارد، بویژه برای نسل جوان ایران، آیا در برنامه‌های انجمن این نیست که متون اسلامی و متون فلسفی را که اکثرشان حتی برای کسانی که تحصیلات دانشگاهی دارند مشکل است به صورت ساده شده همراه با نقد و نظر روبرو هستید چیست؟

- چهل تنی: من يك نکته را می‌گویم بقیه را خودتان حدس بزنید. قبل از انقلاب بودجه انجمن يك مقداری بوده که امسال بودجه انجمن يك چهارم آن است. یعنی اگر شما تورم را هم در نظر بگیرید می‌شود يك ششم گذشته. شما از همین جا می‌توانید متوجه بسیاری از مشکلات ما بشوید. موانع و مشکلات زیاد است. غیر از اینکه بودجه کم است نظام متمرکز در تصمیم‌گیریها و کارها که همه را به يك نقطه ختم می‌کند مشکل ایجاد می‌کند. البته انصافاً مسئولان وزارت فرهنگ و آموزش عالی جدیداً اقدامات بسیار مؤثری انجام داده‌اند. نکته دیگر اینکه قانونی در زمان طاغوت بود که

هر قدر که فروش می کرده پولش دوباره به خود انجمن برمی گشته. در این مورد من پیشنهادی دارم که خواهم گفت. اضافه بر این مشکلات، مشکل کاغذ است، چاپ است، انتشار است، همین قانون کمیسیون مطبوعات بود و رعایت قوانین بیج دریغ که نه مفهومی و نه مصلحتش مشخص است که بحمدالله لغو شد. مشکلات خیلی زیاد است.

- آقای خوشدل، جناب عالی در مورد انتشارات بنیاد فرهنگ قدری صحبت کنید.

- خوشدل: انتشارات ما در سال ۱۳۵۸ یعنی بعد از انقلاب هفت جلد بوده است که البته تعدادی از آنها کارهایش در پیش از انقلاب انجام شده بود، و بعد از انقلاب چون مورد تأیید بود اقدام به چاپ و انتشار آنها کردیم. در سال ۵۹ تا کنون ۶ جلد کتاب از زیر چاپ خارج شده ولی تا پایان سال احتمالاً ۶ جلد دیگر نیز به این تعداد افزوده خواهد شد. مشکلاتی که مطرح هست تقریباً نظیر همین مشکلات است که جناب چهل تنی فرمودند. بودجه، و تصمیم گیری متمرکز که از سرعت کارها می کاهد و ... این مراکز در گذشته بودجه شان را به شکل کمک می گرفتند و خارج از محاسبات عمومی خرج می کردند. اما الان در چهارچوب دولتی قرار می گیرند و با توجه به شرایطی که در بازار وجود دارد تنگناهای ما بیشتر می شود. و مثلاً کاغذ را به قیمت دولتی بسادگی نمی شود فراهم کرد. مسئله چاپخانه و تمام این گرفتاریهایی که شمرند. با وجود این موانع ما این تعداد انتشار داشتیم. مشکلی که باز مطرح شد مسئله فروش کتابهای ما بود. در گذشته درآمد مؤسسه صرف توسعه کار مؤسسه می شد. یعنی امکانات، بنیاد گسترش

می یافت. ما امکانات بیشتری برای تجدید چاپ آثارمان داشتیم. می دانید چاپ اول کتابها، بویژه تصحیح متون گذشته خیلی با سختی صورت می گیرد و انتشارش مشکلات زیادی دارد ولی برای چاپهای بعدی که فقط افست می شود مشکل و هزینه براتب کمتری دارد. به خاطر این مشکلات ما الان قادر نیستیم که کتابهایی را که در گذشته منتشر کرده ایم و الان در بازار کمیاب و نایاب است تجدید چاپ کنیم. شاید اگر مؤسسه‌ای از قبیل این بنیاد که زیر پوشش بنیاد فرهنگ و هنر ایران قرار دارند، اگر یک بودجه مستقل برای آنها در نظر گرفته می شد، اینها بعد از ۴-۵ سال هر کدام می توانستند یک مؤسسه فرهنگی وسیعی باشند که حتی نیازهای خود مانند چاپخانه و ... را برآورده کنند. با این بودجه حتی امکان ایجاد یک دانشکده پژوهشی که زیر نظر بنیاد کار کند وجود دارد. در گذشته بنیاد یک چنین دانشکده‌ای داشته است. بنیاد کتابخانه‌ای دارد که تمام منابع مرجع مورد نیاز پژوهشگران که در حدود ۱۷ هزار جلد است در آن جمع آوری شده است و پژوهشگران اکثراً پژوهشپیشان را در محل کتابخانه انجام می دهند. و در واقع از این لحاظ سهولتی برای کار پژوهشگران وجود دارد.

- آقای انتظار خیر، اگر شما درباره انتشارات مرکز ایرانی تحقیقات تاریخی صحبتی دارید بفرمائید.

- انتظار خیر: برای اینکه برنامه کار و نتیجه کار این مرکز معلوم شود باید مشکلاتش را در نظر بگیریم. با توجه به این اصل متوجه می شویم که نمی شود توقع داشت که این مرکز فعالیتهای چشمگیری کرده باشد. مشکلات خاص این مرکز به غیر از مسائل اداری - مالی، بقول آقای دکتر فیض، تبدیل مدیریت خصوصی به

مدیریت دولتی است که هم تصمیم گیری را مشکل می کند و هم از میان ضوابط گذشته آنهایی که به درد نخور یا دست و پاگیر است همه تصمیم گیریها را عقیم می کند. شما باید دقت کنید این قوانین برای افراد ناسالم و پائیدن آنها بوجود آمده بود و من البته نمی دانم فلسفه اش در جمهوری اسلامی چیست. یکی از مشکلات دیگر ما وجود وقفه ای بوده است که در فعالیتهای این مؤسسه بعد از انقلاب پدید آمده است. این مؤسسه عملاً منحل شده بود و تازه دارد احیاء می شود و براه می افتد. مشکل خیلی مهمتری که ما داریم و شاید اگر برطرف شود بتوانیم بقیه مشکلات را هم رفع کنیم عدم آشنائی علاقمندان به تحقیق در زمینه های تاریخی است. یعنی ممکن است متخصصین علاقمند در کشور وجود داشته باشند، که حتماً هستند، و اطلاع نداشته باشند که یک چنین مؤسسه‌ای هست و می توانند از آنها استفاده کنند. مشکل بزرگ ما شناساندن این مؤسسات به خواستاران و علاقمندان آنهاست که آنها جمع بشوند و تحقیق بکنند. همانطور که آقای دکتر خوشدل گفتند. اگر ما بتوانیم این مؤسسات را فعال بکنیم اینطور که در نظر داریم شاید بتوانیم برای دانشکده ها و دانشگاهها نیز تغذیه علمی داشته باشیم. مشکل دومی که شاید اگر حل شود گامی باشد در راه حل مشکلات بعدی، این است که در این مؤسسات یک هیئت علمی تعیین کننده خط مشی برای آنها وجود نداشته است و باید یک چنین هیئتی وجود داشته باشد که خط مشی را تعیین کند. ما دو نوع پژوهشگر داریم، یکی پژوهشگران آماتور که علاقه مندانی هستند که برای خودشان تحقیق می کنند که ما می توانیم امکاناتی در اختیار آنها بگذاریم و در صورت لزوم راهنمایی بکنیم. یک گروه

از پژوهشگران نیز هستند که در اختیار دولت و مؤسسات هستند باید معلوم شود که ما از آنها چه می‌خواهیم. بسیاری علاقه‌مند هستند که در جهت هدفهای انقلاب اسلامی فعالیت کنند اما شاید نمی‌دانند که در چه زمینه‌ای باید تحقیق کرد تا مفیدتر باشد. ما تازه شروع به فعالیت کرده‌ایم و فعلاً تا رفع مشکلات نباید از این مؤسسه توقعی داشت. انتشارات این مرکز منحصر به دو سری سفرنامه است و یکی هم بررسی نهضت فارس که در دوره مشروطه اتفاق افتاده و مطالعه‌اش برای کسانی که به تاریخچه نهضت‌های مشرق زمین علاقه‌مند هستند جالب و مفید خواهد بود.

- آقای دکتر فیض، شما اضافه بر مطالبی که عنوان فرمودید در این مورد مطلبی دارید؟

- دکتر فیض: مشکلاتی که آقایان فرمودند عیناً برای ما هم هست و این خود باعث يك نوع تمرکز اداری شده که هیچ جالب نیست و به نفع این مؤسسات هم نیست. قطعاً همانطور که گفتند جدیداً سعی شده که بعضی از آنها را برطرف کنند اما خطر این هست که احیاناً تصمیم‌گیریها تغییر کند. تجربه نشان داده است که در مسائل فرهنگی و شاید بتوان گفت که در اغلب مسائل تمرکز فکر خوبی نیست. هماهنگی می‌تواند خیلی مفید باشد ولی تمرکز تصمیم‌گیری در این مؤسسات به نفع این مؤسسات نیست و متأسفانه این امر بعد از انقلاب بوجود آمده است. گو اینکه تمام افرادی که مسئولین این مؤسسات بوده‌اند الان در وزارت فرهنگ و آموزش عالی حسن نیت نشان می‌دهند که مشکلات ما حل بشود ولی قوانین اجازه نمی‌دهد. برای نمونه من خدمتان عرض می‌کنم که افرادی که در اینجا بوده‌اند به لحاظ اینکه این

مؤسسات مؤسسات نیمه دولتی بوده، یعنی کمک از دولت می‌گرفتند، نه دولتی، الزامی به اجرای قوانین دولت نداشته‌اند و آنجائی هم که گاهی ملزم می‌شدند اگر لازم بود قوانین را زیر پا می‌گذاشتند و این خیلی باعث تأسف است که ما الان ملزم هستیم که قوانین سال ۴۵ را که در زمان طاغوت تصویب شده بوده مو به مو اجرا کنیم. در نتیجه کاری چندان شایسته نمی‌توانیم بکنیم و مشکلاتی از این رهگذر پدید می‌آید. جالب اینکه گاهی حتی مثلاً آقای ذیحساب با حسن نیت راهنمایی می‌کند ما را به چیزی که حقیقت ندارد، واقعیت ندارد و این در شأن انقلاب نیست، که ما برخلاف عمل کنیم، ولی خوب راهی نیست. ملاحظه می‌کنید که ما گاهی باید راه منحرفی را انتخاب کنیم برای حل مشکلات. اگر ما راه صحیح را انتخاب کنیم در حقیقت کاری نمی‌توانیم بکنیم. ببینید مسئله در این است که این قوانین بوده، راه فرارش هم بوده. آنها راه فرار از قانون را عمل می‌کردند و اگر ما بخواهیم قانون را اجرا کنیم باید فقط بنشینیم و قانون اجرا کنیم و نه هیچ کار دیگر. بودجه ما هم که تقریباً نصف شده و مشکل خیلی اساسی، که آقای چهل‌تنی هم اشاره فرمودند، آن است که ما اساساً هیچ درآمدی از اینجا نمی‌توانیم داشته باشیم. درآمد را باید به صندوق دولت بریزیم. در نتیجه هر مقدار بیشتر خرج کنیم زودتر به ورشکستگی می‌رسیم. این است که دست ما از این جهات مقداری بسته است و امیدوارم که در رفع اینها کوشش شود. - سؤال آخر را اینطور می‌خواهم حضور آقایان مطرح کنم که نظرشان در باره انتشارات دولتی ایران، کمبودها و نارسائی‌های آن و نظریاتی که برای بهبود وضع این انتشارات دارند چیست؟ چون

تمام آقایان دست‌اندر کار و صاحب نظر در امر انتشارات دولتی هستند نظرشان می‌تواند برای علاقه‌مندان مقتم باشد.

- چهل‌تنی: ببینید يك مؤسسه‌ای تشکیل شده به نام انجمن فلسفه، هفده، هجده کارمند دارد. دولت سالی فلانقدر برایش خرج می‌کند و این مؤسسه را سر پا نگهداشته. این مؤسسه یکی از وظایفش مثلاً این است که يك کلاس داشته باشد. اما برای این کلاس شما اجازه ندارید که پول بنزین يك ماشین را بدهید که برود و استاد را که به‌رایگان تدریس می‌کند از منزلش بیاورد. همه این تشکیلات لنگ می‌شود برای ۴ لیتر بنزین. چرا؟ برای آنکه فلان قانون باید اجرا شود. پس اولین چیزی که هست این قوانین با طبیعت کار این مؤسسات نمی‌خواند. و در گذشته هم اگر برای مؤسساتی نظیر انجمن قوانین مالی دیگر اجرا شده برای این بوده که طبیعت کار این مؤسسات قابل تطبیق با قوانین مالی دولتی نبوده است. آن قوانین مال معاملات دولتی است نه مال يك کار فرهنگی و شما می‌بینید بعضی از جاها نظیر دانشگاهها قوانین مستقلی دارند و اجراء می‌کنند. اولین مسئله اصلاح این قوانین است. یعنی با مشورت با افرادی که دست‌اندر کار فعالیت این مؤسسات هستند قوانینی تدوین شود که با طبیعت کار این مؤسسات سازگار و هماهنگ باشد. دومین موضوعی که هست اجازه استفاده از بهای فروش کتابها است به این مؤسسات. بنده به‌شما عرض می‌کنم اگر دولت دندان روی جگر بگذارد و سه چهار سال از پول این مؤسسات استفاده نکند، بخاطر اینکه هزینه چاپهای دوم و سوم يك سوم هزینه چاپ اول است ظرف چند سال این مؤسسات می‌توانند از بودجه دولت بی‌نیاز و خودکفا شوند. من پیشنهاد کردم که ما این کار را

ظرف پنج سال بدین نحو که هر سال خودمان را ۲۰ درصد از بودجه دولت بی‌نیاز کنیم، می‌توانیم انجام دهیم و با بودجه خود در راه هدفهای جمهوری اسلامی ایران گام برداریم. حالا من نمی‌دانم قانونش را چطور باید درست کرد باید حقوق‌دانان و قانون‌دانان بگویند. دیگر اینکه چاپخانه‌هایی با امکانات زیاد در اغلب مؤسسات دولتی هست که اغلب بیکار هستند و کار چندانی انجام نمی‌دهند باید یک رابطه منطقی بین مؤسسات انتشاراتی دولتی و چاپخانه‌های دولتی برقرار شود که ما بتوانیم از این چاپخانه‌ها استفاده کنیم. این وضعی که الان هست ما نمی‌توانیم بقدر وظایفی که بما محول کرده‌اند جوابگو باشیم لاقلاً خوبست مسئولان بدانند که حدود ۸۰ درصد کتابها و رسائل و تحقیقات دانشمندان شیعه ایرانی حتی یک بار هم تاکنون چاپ و منتشر نشده و هیچ تاریخ فلسفه، نه تاریخ فلاسفه، تدوین نگردیده؛ آیا این کار را هم مثل تاریخ ادبیات باید خارجیا انجام دهند و هر چه خواستند بنویسند؟ ما انتظار که توقع داریم که لاقلاً بقدر مأموریتی که طاغوت برسر این کارها گذاشته بود به ما اختیارات بدهند و این اختیار را همینطوری هم به ما ندهند. مسئولیت بخواهند. لحظه به لحظه ذی‌حساب را بالای سر این مؤسسات بگذارند، کار متوقف می‌شود فعلاً واقعیتها در جامعه ما چیزی است و قوانین چیز دیگری و متأسفانه اصل هم اجرای همان قوانین است، همان قوانین زمان طاغوت که مردم برای برهم زدنش انقلاب کردند، من نمی‌گویم بی‌قانونی باشد شاید در آن صورت وضع بدتر شود اما باید فوراً این مقررات دست و پاگیر اصلاح گردند. اختیار بدهند بعد از ۴

ماه، بعد از ۶ ماه، کارنامه بخواهند که آفاتو با این بودجه بیت‌المال مردم ظرف این مدت چکار کرده‌ای. باید در انتخاب مدیر مسئول و هیئت علمی دقت کافی مبذول دارند و بعد اختیار بدهند به اینها که بتوانند کار بکنند. تا چه حد کار انتشارات دولتی لنگ است شما می‌توانید یک مقایسه‌ای بکنید با کشورهای دیگر، یک مقایسه بکنید با کشورهای اسلامی دیگر و کشورهای غربی دیگر بهر حال ما در خیلی از زمینه‌ها لنگی داریم، کمبود داریم و پرکردن خلاء بسیاری از زمینه‌ها تنها از عهده انتشارات دولتی بر می‌آید. زمینه‌های بسیاری هست که ناشر خصوصی در آنها حاضر به سرمایه‌گذاری نیست. مثلاً بسیاری از کتابهای خود ما کتابهای تجارتنی نیست. چون نفع آتی ندارد و شاید اصلاً نفع نداشته باشد. این وظیفه مؤسسات دولتی است که در این زمینه‌ها سرمایه‌گذاری می‌کنند. ما در زمینه‌های ترجمه‌های فنی، علمی و فلسفی لنگی داریم. ما یک کشور اسلامی، بعد از انقلاب اسلامی، یک تاریخ اسلام مدون و سالمی نداریم. یک تاریخ فلسفه در اسلام، یک تاریخ علم در اسلام و شرح دانشمندان اسلامی نداریم و حتی یک دستور زبان فارسی جامع و کامل. اینها را هر کدام از این مؤسسات می‌توانند انجام دهند، با توجه به رشته‌ای که در آن فعالیت می‌کنند، حتی با بودجه‌های یک چهارم گذشته هم می‌توانند انجام بدهند بشرطی که این قوانین دست و پاگیر مالی جلوی آنها را نگیرد. بطور خلاصه، اول قوانین باید اصلاح بشود و تطبیق کند با طبیعت کار این مؤسسات، دوم امکان استفاده از چاپخانه‌های دولتی داده شود و سوم اینکه اختیاراتی داده شود و در مقابل این اختیارات مسئولیت هم خواسته شود و

دولت از پول فروش کتابهای مؤسسات فرهنگی صرفنظر کند. این چهار مورد می‌تواند کمکی کند به وضع انتشارات دولتی. و این تأکید را می‌کنم که باید جنیبد، باید خیلی سریع جنیبد و این مشکلات را برطرف کرد و الا عقب ماندگی کم خسارت نخواهد بود.

- خوشدل: در این مورد بنده باید عرض کنم که در یک مصاحبه تلویزیونی رئیس کتابخانه مجلس شورای اسلامی عنوان می‌کردند که بیش از ۳ هزار عنوان کتاب خطی وجود دارد که در تمام اینها فرهنگ عظیم اسلامی نهفته است و الان از دسترس جامعه اسلامی ما دور است، امروز بهترین فرصت هست برای تفتیح و انتشار چنین کتابهایی و در دسترس مردم گذاردن آنها. فکر نمی‌کنم غیر از این مؤسساتی که ما الان عهده‌دارش هستیم کسی رسالت انجام چنین کاری را داشته باشد. ما باید این فرهنگ را به جامعه معرفی کنیم. ابتدا در اختیار دانشمندان، پژوهشگران و حوزه‌های علمیه و همه اینها قرار بدهیم و بعد به شکل دیگری در اختیار عامه قرار گیرد، منتها این نیاز دارد به یک آزادی عمل و مشکلات دولتی که الان جناب چهل‌تی به آن اشاره کردند از جلوی پای ما برداشته شود و امکانات مالی در اختیار ما باشد که بتوانیم کارهایی را انجام بدهیم. البته ما درست است که پژوهشگر در این زمینه‌ها کم داریم ولی در جامعه، ما تعدادی از استادان دانشگاهها که در اثر تعطیل دانشگاهها بیکار هستند وجود دارند و فرصت بسیار خوبی برای بنیاد فرهنگ ایران وجود داشت که از این دانشمندان و استادانی که در واقع تخصصشان در این زمینه‌ها هست و وقتشان برای مطالعات خصوصی خودشان می‌گذرد استفاده کند. می‌شود از این استادان دعوت کرد و بر

مبنای قراردادی که با آنها بسته می‌شود کارهایی از قبیل تصحیح و ترجمه متون قدیم را به آنان واگذار کرد تا در اختیار جامعه قرار دهند. ما امیدواریم که این قوانین دست و پاگیر از سر راه این مؤسسات برداشته شود و ما بتوانیم به وظیفه خود عمل کنیم.

-انتظار خیر: من يك هشدار می‌دهم. بعد از انقلاب اسلامی، به واسطه همین موانع ما فرصتهای زیادی را از دست داده‌ایم. اگر این فرصتها باز هم از دست برود زبان بسیار بزرگی ما خواهیم دید در زمینه فرهنگی. گویا این مسئله مورد توجه بسیاری از مسئولان نیست و به آن اهمیت نمی‌دهند و شاید رویارویی ایدئولوژیک و فرهنگی ما را با سایر مکاتبی، که از هر دری به ما هجوم می‌آورند، خیلی دست کم گرفته‌اند. الان ما شاهد این هستیم که بسیاری از جوانان ما بخاطر کم اطلاعی از اسلام جذب فرهنگهای دیگر می‌شوند. ما نتوانسته‌ایم فرهنگ اسلامی خودمان را آنچنان که شایسته‌اش هستیم و محققین و متفکرینش را داریم به سایرین و بخصوص به جهان خارج معرفی کنیم و آنها فکر می‌کنند که ما دیگر حرفی برای گفتن نداریم. اگر در این زمینه فکری نشود فاجعه بزرگی برای جامعه ما خواهد بود. امیدوارم این هشدار بگوش کسانی برسد که شاید بتوانند با تصویب يك آئین نامه چند صفحه‌ای رونق دهند به این مراکز فرهنگی و به مطالعات اسلامی. اگر امروز بخواهند این کار را بکنند امروز خیلی ساده‌تر حل می‌شود ولی فردا انرژی خیلی بیشتری می‌خواهد که تمام این لطمه‌ها را جبران کنیم.

-دکتر فیض: من فکر می‌کنم مشکلات را کم‌وبیش آقایان اشاره کردند و این هشدار بسیار مهمی است. یعنی واقعاً جا دارد که ما

این را خیلی خیلی زیاد تکرار کنیم که پدیده‌های فرهنگی اثرات منفی و مثبتش بسیار دیر مشهود خواهد شد. یعنی الان اینطور نیست که شما به آسانی بتوانید حس کنید که فرهنگ اسلامی در خطر است. چون خطر مشهود نیست، محسوس نیست. ولی در بلند مدت ناگهان ملاحظه می‌فرمایید که بعد از مدتی يك مفهوم جا می‌افتد در بین مردم. مردم همه يك چیز را تکرار می‌کنند، در حالیکه ممکن است این مفهوم نه تنها اسلامی نباشد بلکه ضد اسلامی هم باشد. تاریخ به ما اینطور نشان می‌دهد که فرهنگها به تدریج جا افتاده‌اند و به تدریج اثر منفی یا مثبت خودشان را در يك جامعه گذاشته‌اند. در صدر اسلام مثلاً وقتی که يك کشوری تحت نفوذ فرهنگ اسلام قرار می‌گرفت طبعاً در ابتدا مردم عکس‌العمل نشان می‌دادند. ایرانیان مثلاً خودشان دین زردشتی داشتند، فرهنگ دیگری و آداب دیگری داشتند، ولی بتدریج اسلام نفوذ پیدا کرد به نحوی که ایرانیان مسلمان شدند و آنچنان خدمتگزار اسلام شدند که شگفت‌انگیز است و خدمات مسلمانان ایرانی حتی به زبان و صرف و نحو عربی بهیچ وجه کمتر از خود غربها نیست. الان اگر بخواهند مستقیماً اسلام را از مردم بگیرند مردم عکس‌العمل نشان خواهند داد. همینطور اثرات زیانبار فرهنگ غربی، آن قشر فرهنگ غربی، ظواهر فرهنگ غربی، اثرات منفی‌اش را ملاحظه بفرمایید که اینطور بین روشنفکران ما اثر گذاشته که مشکل است يك روشنفکر خودش را خالی کند از اثرات زیانباری که از فرهنگ غرب در اینجا بوجود آمده است. و شاید سالها طول بکشد تا آشنا بشوند با فرهنگ اسلامی و این مفاهیمی که برایشان جدید است و طرد بکنند آن مفاهیم را و شاید اصلاً ما توفیق چندانی بدست

نیاوریم. این يك مسئله قدیمی است، همه شما می‌دانید که وقتی سلطه‌گران و استعمارگران جانی می‌آمدند اول سعی می‌کردند زبان آنها را تغییر بدهند. چرا برای اینکه زبان مدخل فرهنگ و نفوذ فرهنگی است. من فکر می‌کنم با توجهی که الان، بعد از انقلاب اسلامی، لازم است به فرهنگ ایرانی و اسلامی داشته باشیم دیگر نباید معطل شویم و هر چه زودتر باید بکوشیم این بوروکراسی و این قوانین دست و پاگیر را که حاکم بر این مؤسسات فرهنگی است از بین ببریم. بسیار دیر می‌شود، دیر می‌شود که دیگران سخت مشغولند، چه کسی است که نداند در این جامعه، دیگران کتاب ارزان قیمت چاپ می‌کنند، حتی کتاب مجانی توزیع می‌کنند. کتابهایی از سایر کشورها می‌فرستند اینجا که بهای آن شاید يك دهم بهایی باشد که در ایران برای يك کتاب همانند آن تعیین می‌شود و در اختیار مردم ما و بچه‌های ما گذاشته می‌شود و ما اگر تأخیر کنیم و هر مؤسسه‌ای بر مبنای اهدافش و به فراخور توانایش زمینه‌ای را فراهم نکند برای تحقیق و پژوهشهای اصیل، با نظر صاحب‌نظران فرهنگی ما که از اصالت برخوردارند، دیر خواهد شد. من يك پیشنهاد کاملاً عملی هم دارم، در پایان به مسئولین فرهنگ این کشور که برای رفع هر يك از این مشکلات که در مؤسسات دولتی و در بخش خصوصی وجود دارد دعوتی بشود از دست‌اندر کاران این مؤسسات و يك هماهنگی برای فراهم کردن تسهیلات در این دو بخش فراهم شود و این مشکلات برطرف شود. اینها با دولت مذاکره کنند و مسائل را در میان گذارند تا در آینده مابه‌یاری خداوند فرهنگ‌یار- وری داشته باشیم.

-چهل تنی: من در آخر ضمن هشدار که

آقای انتظار خیر دادند، يك اشاره ای می‌کنم و این را واگذار می‌کنم به مسئولین فرهنگی. تا آنجا که ما آمار داریم در سال ۵۷ بیش از ۷۵۰ جلد کتاب کودکان فقط از کشور شوروی وارد ایران شده است. عوارض این مسئله تاچه حد است خوب است که دیگران بروند و فکر کنند و مسلم است که آنها هم برای تربیت فرزندان ما دل نمی‌سوزانند و محض رضای خدا هم کار

نمی‌کنند و این را هم می‌دانم که در سال ۵۸ و ۵۹ به هیچ وجه کمتر از این مقدار نبوده است. ضمن اینکه بزرگسالان هم به آن اضافه شده. این را مسئولان فرهنگی بنشینند و توجه نکنند به این هجوم عظیمی که به فرهنگ اسلامی شده در پوششهای مختلف، فیلم، نمایشنامه، تاریخ نویسی، علوم و حتی پوستر چه از شرق و چه از غرب و در لباسهای مختلف. باید هر چه

زودتر، جنیبد و جلوی این هجوم سیل آسا را گرفت.

بد نیست شما بدانید که در ماه حدود ۲۰ فیلم روسی در ایران اجازه نمایش می‌گیرد و بعضی از این فیلمها را آنها حتی کمتر از ده هزار تومان می‌فروشند. کرایه انتقال آنها بیشتر از این مبلغ است ما با اینهمه پشتوانه باید بتوانیم این کار را بکنیم و اگر نکردیم تقصیر بگردن خود ما است.

نقد و نظر

اینان می‌گویند برای وحی نامه الهی، تأییدیه علمی دست و پا کنند و عیب و نقصی را که لامحاله برای قرآن قائلند، بدین وسیله جبران یا جوابگویی نمایند. اما علت اینکه اینگونه تفاسیر بالمال چیزی را جابجا نمی‌کند و راه به جایی نمی‌برد، این است که بريك التقاط ناپسازگار و يك تعارض حل نشده، بنا نهاده شده است.

آن تعارض حل نشده، که اینک حل شده می‌نماید، این است که حوزه و حریم علم از حوزه و حریم ایمان جدا است. علم و ایمان، همین طور علم و اخلاق یا علم و هنر، ذاتاً باهم تفاوت دارند، ولی تنازع ندارند، یعنی اگر هم تنازع داشته بوده‌اند، فی الواقع تناقض ندارند. به این توضیح که علم می‌تواند وجود خداوند را نادیده بگیرد یا حتی انکار کند، ولی هرگز نمی‌تواند ابطال کند یا به تعبیر دیگر امتناع وجود او را اثبات نماید.

نزاع تاریخی‌ای که در غرب و شرق بین اهل ایمان و اهل علم (علم به معنی جدید کلمه) درگرفته از آن بوده است که به اصطلاح تنقیح مناط نمی‌کرده‌اند، و از طرفی شاید هم به روشنی حد و مرز علم و ایمان را، چنانکه امروز معلوم شده است، در نظر نمی‌آورده‌اند. در اینجا در صدد اثبات تفاوت‌های اصلی و اصولی علم و ایمان نیستیم، بلکه فقط به بیان آن، و همینقدر اکتفا می‌کنیم که هم موضوع و هم روش و هم هدف علم از موضوع و روش و هدف دین - و روح آن که ایمان است - جداست.

تفاوت موضوع این دو اجمالاً در این است که دین یا ایمان با غیب سروکار دارد یعنی با ماوراء حس و ماوراء تجربه حسی و ماوراء طبیعت، و جهان مینوی و مینوها (معنیها و مجردات) و ماوراء دنیا که آخرت باشد، و در يك کلمه با غیب و عالم غیب که

قُلْ لِلذِّی یَدْعِی فِی الْعِلْمِ فَیْلَسَفَهُ
حَفِظْتَ شَیْئاً وَ غَابَتْ عَنْكَ اَشْیَاءُ
ابونواس

تفسیر پوزیتیویستی قرآن

بهاء الدین خرمشاهی

تفسیر علمی از قرآن، نهایتاً راهی به دهی نمی‌برد و بیشتر در حکم تفریحات و تقلات کلامی و ادبی است و غلط مشهور و کمابیش سابقه‌داری در عالم تحقیقات قرآن‌شناسی است. کسانی که به تفسیر علمی از قرآن دست یاخته‌اند یا ساده‌دل بوده و فلسفه و منطق علم را نمی‌شناخته‌اند مانند طنطاوی بن جوهری، صاحب تفسیر الجواهر، یا مقاصد اصلاح طلبانه سیاسی داشته‌اند، مانند شیخ محمد عبده، صاحب تفسیر المنار، یا با داشتن همین دو صفت، به طرز چاره‌ناپذیری غرب‌زده بوده‌اند مانند سرسید احمدخان هندی، صاحب تفسیر القسمران و هو الهسدی والفرقان.